

مصحف مُعظم: فرضیاتی تازه در باب کاتب و زمان کتابت قرآن بایسنغری*

مهدی صحراگرد**

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰)

چکیده

در برخی از موزه‌ها و مجموعه‌های جهان برگ‌هایی از قرآنی عظیم نگهداری می‌شود که به قرآن بایسنغری مشهور است. به سبب پراکندگی برگ‌های این قرآن و در دست نبودن اسناد و مدارک موثق کافی تقریباً هیچ‌یک از تحقیقات انجام‌شده به شناخت روشن و متقنی از کاتب، زمان تولید و انگیزه تهیه این مصحف نرسیده است. آخرین اظهار نظر مورد توافق عموم محققان بر پایه گزارشی از قاضی احمد قمی، انتساب خط نسخه به عمر اقطع، خطاط اوایل عصر تیموریان است. در حال حاضر حدود ۶۵ برگ از این قرآن در مجموعه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که تحقیق بر آن‌ها نکاتی تازه درباره خط این مصحف دربر دارد. این مقاله پس از بررسی مختصر ویژگی‌های نسخه‌شناسانه این برگ‌ها به تحلیل و تدقیق در خط نسخه پرداخته و نشان می‌دهد در این قرآن دست کم سه دست خط متفاوت اما بسیار نزدیک به‌هم‌کار رفته است. همچنین از مقایسه این دست خط‌ها با قطعه‌ای رقم‌دار از عمراقطع مشخص می‌شود هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌تواند خط عمراقطع باشد. از نتایج دیگر زمان احتمالی تهیه نسخه، نیمه نخست سده نهم، و به طور دقیق‌تر بین ۸۲۳-۸۳۲ ه.ق (زمان حضور غیاث‌الدین جمشید کاشانی در سمرقند) است و نقش الغیبیگ در حمایت از نسخه بسیار پررنگ می‌نماید.

واژگان کلیدی

قرآن بایسنغری، قرآن نگاری، قلم محقق، دوره تیموری، عمراقطع، کتابخانه آستان قدس رضوی.

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «تدوین شیوه‌ای جهت سبک‌شناسی خوشنویسی (بر مبنای آثار محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی)» تحت حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (۱۳۹۷) است.

** تلفن: ۰۹۱۵۵۰۳۳۰۹۰، نمابر: ۰۵۱-۳۶۶۴۱۲۶۲، Email: m.sahragard@mshdiau.ac.ir

مقدمه

در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های مختلف جهان اجزا و برگ‌هایی از یک مصحف بزرگ‌اندازه نگهداری می‌شود که خطش بی‌هیچ دلیل متقن، به بایسنغر (ف ۸۳۷ ه.ق)، پسر شاهرخ (حک ۸۰۷-۹۵۰ ه.ق) و گوهرشاد، منسوب شده است. این مصحف به سبب قطع بسیار بزرگ، کیفیت عالی خط، و انتسابش به بایسنغر در بین محققان تاریخ خطاطی بسیار مشهور است. در اینکه کاتب این اثر بایسنغر بوده، تردید بسیار هست، به طوری که مدت‌هاست محققان این فرض را به کلی منتفی دانسته‌اند. اما در سال‌های اخیر برپایه سخنی از قاضی احمد قمی در *گلستان هنر*، در شرح کتابت قرآنی بزرگ برای تیمور، عمراقطع را کاتب این نسخه دانسته‌اند (James, 1992, 22؛ بلر، ۱۳۹۶، ۳۰۷).

به‌رغم اهمیت این اثر در تاریخ خطاطی ایران، تحقیق درباره خصوصیات، کاتب، و سرگذشت آن محدود بوده است؛ شاید بدان علت که گزارش منابع درجه اول مرتبط با این مصحف مبهم و متناقض است و امکان صدور نتیجه‌ای روشن از کاتب، زمان کتابت و نظام حمایت آن را بیان نمی‌کند. دیگر اینکه محققان مغرب‌زمین که گاه به تحقیق بر این نسخه سخت مشتاق بوده‌اند، به سبب در دست داشتن صرفاً یک برگ یا چند سطر از این نسخه نتوانسته‌اند تحلیلی روشن و دقیق از ویژگی‌های آن بیان کنند.

در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های مختلف جهان اجزا و برگ‌هایی از یک مصحف بزرگ‌اندازه نگهداری می‌شود که خطش بی‌هیچ دلیل متقن، به بایسنغر (ف ۸۳۷ ه.ق)، پسر شاهرخ (حک ۸۰۷-۹۵۰ ه.ق) و گوهرشاد، منسوب شده است. این مصحف به سبب قطع بسیار بزرگ، کیفیت عالی خط، و انتسابش به بایسنغر در بین محققان تاریخ خطاطی بسیار مشهور است. در اینکه کاتب این اثر بایسنغر بوده، تردید بسیار هست، به طوری که مدت‌هاست محققان این فرض را به کلی منتفی دانسته‌اند. اما در سال‌های اخیر برپایه سخنی از قاضی احمد قمی در *گلستان هنر*، در شرح کتابت قرآنی بزرگ برای تیمور، عمراقطع را کاتب این نسخه دانسته‌اند (James, 1992, 22؛ بلر، ۱۳۹۶، ۳۰۷).

به‌رغم اهمیت این اثر در تاریخ خطاطی ایران، تحقیق درباره خصوصیات، کاتب، و سرگذشت آن محدود بوده است؛ شاید بدان علت که گزارش منابع درجه اول مرتبط با این مصحف مبهم و متناقض است و امکان صدور نتیجه‌ای روشن از کاتب، زمان کتابت و نظام حمایت آن را بیان نمی‌کند. دیگر اینکه محققان مغرب‌زمین که گاه به تحقیق بر این نسخه سخت مشتاق بوده‌اند، به سبب در دست داشتن صرفاً یک برگ یا چند سطر از این نسخه نتوانسته‌اند تحلیلی روشن و دقیق از ویژگی‌های آن بیان کنند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت کاربردی و از نظر رویکرد تاریخ-توصیفی است. در آغاز به منظور شناخت ویژگی‌های نسخه‌شناسانه قرآن مورد بحث ابتدا برگ‌های این قرآن با رویکردی توصیفی بررسی می‌شود و سپس به منظور آگاهی از چگونگی تولید این نسخه از شواهد به دست آمده با رویکردی تاریخی احتمالات و فرضیات پیشین مربوط به چگونگی، دلایل و هنرمندان مؤثر در تولید این نسخه بررسی می‌شود. جامعه آماری تمام برگ‌های این قرآن در کتابخانه و موزه قرآن آستان قدس رضوی است و تمام جامعه به صورت سرشماری بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

نخستین کسی که برگ‌های بازمانده از مصحف معروف به بایسنغری را به همگان شناساند جیمز بیلی فریزر، جهانگرد انگلیسی، بود که در سفر سال ۱۸۲۱-۱۸۲۲ م. برگ‌هایی از آن را در امام‌زاده ابراهیم قوچان دید و گزارشی در سفرنامه‌اش آورد. او این مصحف را به شاهزاده بایسنغر (ف ۸۳۷ ه.ق)، پسر شاهرخ تیموری، نسبت داد و احتمالاً از همان زمان بود که به مصحف یا قرآن بایسنغری معروف شد (Fraser, 1825, 574).^۱ مشخص نیست به چه دلیل او کتابت این مصحف را به بایسنغر نسبت داده است. گمان نمی‌رود سخنان او مستند به رقم کاتب یا ضبط تاریخ‌نامه‌ها باشد، بلکه بیشتر چنین می‌نماید آن‌ها را از متولی امام‌زاده یا ایلخان قوچان شنیده باشد. در این صورت می‌توان حدس زد شهرت افسانه‌ای بایسنغر و مادرش، گوهرشاد خاتون، در خراسان غربی، که هم مدتی والی این منطقه بود و هم در ساخت مسجد گوهرشاد و کتابت کتیبه‌های آن نقش داشت، در این انتساب مؤثر بوده باشد.^۲ اعتمادالسلطنه در *مطلع الشمس* و محمدتقی حکمت در *گنج دانش* از نخستین ایرانیانی هستند که از این

مصحف یاد کرده و حکایت فریزر را با تغییرات و افزوده‌هایی آورده‌اند. به گفته اعتمادالسلطنه این قرآن بر سر قبر تیمور بود و معروف است او این مصحف را بر آرزوهای پیشاپیش آردویش حمل می‌کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج. ۱، ۱۵۶؛ حکیم، ۱۳۶۶، ۷۱۱). اگرچه اندازه عظیم مصحف با خلق و خوی جاه‌طلب تیمور متناسب است، از نظر زمانی تناقض دارد زیرا بایسنغر زمان وفات تیمور شش ساله بود و بی‌شک نمی‌توانست مصحفی به این عظمت کتابت کند. همچنین اعتمادالسلطنه می‌نویسد سربازان نادر پس از فتح شهر سبز قرآن را برداشته و متلاشی کردند اما نادر پس از شنیدن خبر به جمع‌آوری‌اش و تجلدش فرمود. گویا سردسته سربازان گرد برگ‌ها را جمع کرده و در بار شتران قرارداد و به قوچان آورد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج. ۱، ۱۵۶).

محمد محیط طباطبایی نخستین محقق معاصر است که در حاشیه یادداشتی بر نامه غیاث‌الدین جمشید کاشانی، ریاضی‌دان و منجم هم‌عصر شاهزاده الغبیک تیموری که در ساخت رصدخانه سمرقند نقش داشت، به این مصحف توجه و احتمالات متفاوتی درباره آن طرح کرد. (محیط طباطبایی، ۱۳۱۹، ۵۷-۵۸). گفته‌های طباطبایی و خصوصاً نامه غیاث‌الدین، پرتو تازه‌ای به اثر افکند. غیاث‌الدین در این نامه می‌نویسد:

اول آنکه بندگی حضرت سلطنت پناهی - خلدالله ملکه و سلطانه الغبیک - مصحفی فرموده است می‌نویسند به خطی که هر الفی یک /.../ و هر صفحه‌ای هفت سطر است. قطع مصحف چنان است که عرض آن دو گز و نلشان به گز کاشان است و طولش چهار گز و کسری باشد و یک ورق از آن یک فرد پانصد مثقال است آن یک فرد به وزن هشت و سیخه /.../ کاغذ انتخابی ست ضخم آن همانا نیم‌گز خواهد بود. (به نقل از محیط طباطبایی، ۱۳۱۹، ۵۸).

این پژوهشگر قرآن وصف‌شده در نامه و قرآن مورد بحث را یکی دانست

ناهمواری پشت کاغذ شده است (James, 1992, 23). شیلابل نیز همین ایده را در خوشنویسی اسلامی ذکر کرد (۱۳۹۶، ۳۰۷) درحالی که تمام برگ‌های مجموعه آستان قدس رضوی، به استثنای یک فقره، دو رو است. آنچه موجب این اظهار نظر نادرست شده آن است که کاغذ این نسخه به فن مطبق^۵ ساخته شده و این نوع کاغذ به آسانی دو پوست می‌شود؛ یعنی می‌شود کاغذ را دولایه و پشت و روی آن را از هم جدا کرد. ظاهراً دلان، برگ‌ها و قطعات به سرعت رفته این نسخه را دو پوست کرده‌اند و نمونه در دسترس جیمز یک‌رویه از برگی دو پوسته شده است (صحرارگرد، ۱۳۹۴، ۴۱). جیمز برای نخستین بار فهرستی از برگ‌های موجود در مجموعه‌های ایران و جهان عرضه کرد که بسیار کارآمد است؛ هرچند او در این فهرست صرفاً از برگ‌های موزه قرآن آستان قدس سخن گفته و ظاهراً از ۵۸ برگ و قطعه محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی اطلاع نداشته است.

لنتز و لوری (۱۹۸۹، ۴۵)، و مارتین لینگز (۲۰۰۵، ۸۱)، نیز بدون تحلیل نسخه‌شناسانه خاصی این اثر را در زمره آثار عصر تیموریان برشمرده و کتابتش را به عمراقطع منتسب کرده‌اند. جز این‌ها، در فهرست موزه‌هایی که صاحب رقه‌ها یا برگ‌هایی از این مصحفانند -مانند کاتالوگ موزه متروپولیتن- نیز خطاط این اثر، مطابق نظر محققان پیشین، عمراقطع دانسته شده است. نگارنده نیز پیش‌از این در مقاله‌ای سرگذشت نسخه را بر پایه منابع درجه اول و اطلاعاتی از برگ‌های این نسخه در مجموعه آستان قدس عرضه کرد (صحرارگرد، ۱۳۹۴). آن مقاله به همراه دو مقاله دیگر در کتابچه پیوست بر چاپ برگردان برگ‌های این قرآن در مجموعه آستان قدس رضوی (آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴) آمد. دو مقاله دیگر این کتابچه به ویژگی‌های هنری خط (عبادی، ۱۳۹۴) و دیگری به ویژگی‌های عمومی نسخه (فداییان، ۱۳۹۴) اختصاص دارد. این مقالات بار دیگر به همراه چند مقاله تازه دیگر در ویژه‌نامه قرآن بایسنغری (از نشریه/آستان هنر (بهار ۱۳۹۵)) تکرار شد که یکی از آن‌ها به اسناد مرتبط با این قرآن در مرکز اسناد آستان قدس رضوی اختصاص دارد (سیبویه، ۱۳۹۵) و دیگری فهرستی از برگ‌های این مصحف در مجموعه‌های جهان است (معتقدی، ۱۳۹۵). در این مقاله چند برگ جعلی از این نسخه نیز فهرست شده اما از فهرست جیمز کامل‌تر است. باین‌همه در این تحقیقات در باب کاتب اصلی نسخه و ارزیابی محتوای برگ‌های به‌جامانده تحلیلی دقیق نیامده و جایگاه عمراقطع در کتابت این نسخه همچنان معلق مانده است.

مبانی نظری پژوهش

مشخصات کلی نسخه

۱- متن و وضع عمومی برگ‌ها

برگ‌های مصحف بایسنغری در موزه ملک، عبارت است از چهار قطعه یک‌رو (به شماره ۱۳۹۳-۱۰۰۰-۳-۴) و برگ‌های محفوظ در موزه قرآن و کتابخانه آستان قدس رضوی جمعاً ۶۵ برگ پراکنده و قطعاتی کوچک است که همگی به شماره ۹۸ ثبت شده‌اند.

به سبب از بین رفتن حواشی صفحات اندازه دقیق این اثر مشخص نیست. اندازه ۱۰۱×۱۷۷ سانتی‌متر که کسانی چون احمد گلچین معانی و دیوید جیمز ثبت کرده‌اند، اندازه کنونی برگ‌هاست که حاشیه ندارد و فقط اندکی از جدول بزرگتر است. اندازه جدول صفحات سالم با اختلافی اندک حدود ۹۵×۱۵۷ سانتی‌متر است. فاصله لبه کاغذ تا جدول یکی از برگ‌ها

و به‌رغم نبود شواهد معتبر مدعی شد این مصحف را بایسنغر در سمرقند کتابت کرده است. البته او از نقش تیمور در جریان کتابت این مصحف سخنی به میان نیاورد و نخستین کسی است که زمان کتابت آن را به دوره حکومت الغ‌بیبگ در سمرقند منسوب کرد. باین‌حال به سبب نبود شواهد کافی کاتب این اثر همچنان ناشناخته ماند و مسأله تازه‌ای که پیش آمد اثبات رابطه این قرآن با نامه غیاث‌الدین بود؛ مسأله‌ای که از سوی دیگر محققان پیگیری نشد.

حسین نخجوانی، مجموعه‌دار و نسخه‌شناس معاصر، در مقاله‌ای به صفات برجسته این اثر توجه کرد و او نیز به تبع فریزر و اعتمادالسلطنه آن را به خط بایسنغر دانست (نخجوانی، ۱۳۳۷، ۳۲۹-۳۳۱). احمد گلچین معانی نیز هفت برگ محفوظ در موزه قرآن آستان قدس را با نام قرآن بایسنغری معرفی کرد بدون آنکه به جنبه‌های تاریخی آن بپردازد (گلچین معانی، ۱۳۴۷، ۱۲۹). اما دیگر برگ‌های این مصحف که در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود تا مدت‌ها مطالعه نشد. علی‌اصغر ثابت جازاری، از کارکنان کتابخانه، ضمن معرفی مختصر برگ‌های محفوظ در کتابخانه و توصیف مختصری از خصوصیات نسخه، در تحقیقی تاریخی کوشید درستی انتساب کتابت این اثر را به بایسنغر اثبات کند. او برای اثبات این امر کوشید از کتیبه ثلث بایسنغر بر ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد شواهدی استخراج کند (ثابت جازاری، ۱۳۹۴). اما این شواهد، به سبب تفاوت اصول قلم ثلث کتیبه و محقق قرآن، آن قدر کلی و عمومی است که نمی‌تواند دلیلی قانع‌کننده در اثبات ادعای انتساب کتابت این قرآن به بایسنغر باشد.

پس از انتشار رساله *گلستان هنر* بسیاری از محققان نظری دیگر درباره کاتب احتمالی این مصحف عرضه کردند. در این کتاب حکایتی نقل شده از ملاقات عمراقطع با تیمور. به گفته قاضی احمد عمر اقطع مصحفی کوچک به خط غبار برای تیمور کتابت کرد؛ مصحفی که از غایت خردی در زیر نگین انگشتری می‌گذشت. اما تیمور به سبب خرد شمردن مقام قرآن آن را نپسندید و عمراقطع نیز به جبران آن مصحفی به‌غایت عظیم کتابت و تذهیب و تجلید کرد و بر گردونی بست و به تیمور تقدیم کرد (۱۳۸۳، ۲۵). قاضی احمد همچنین خبری دیگر مبنی بر مشاهده یکی از برگ‌های این قرآن نزد مالک دیلمی، خطاط سده دهم ایران، داده است (همان، ۲۶) که نشان می‌دهد قرآن مورد نظر او در عصر صفویان از هم گسسته شده بود. محققان بسیاری از جمله دیوید جیمز با ذکر شواهدی چون عدم انعکاس خبر کتابت چنین مصحف عظیمی در تاریخ‌نامه‌های عصر تیموری، و سادگی تذهیب نسخه، احتمال کتابت آن را به دست بایسنغر منتفی دانست و آن را به استناد سخن قاضی احمد به عمر اقطع منسوب کرد (James, 1992, 22). دلایل جیمز در منتفی دانستن انتساب این نسخه به بایسنغر کافی و پذیرفتنی است. باین‌حال تحلیل‌های نسخه‌شناسانه او، به سبب تکیه بر مطالعه تک سطر مجموعه خلیلی، گاه نادرست است. مثلاً از آنجاکه این تک سطر و دیگر برگ‌های محفوظ در مجموعه‌های مغرب‌زمین یک‌رو هستند جیمز گمان برده این نسخه از آغاز بر یک طرف کاغذ کتابت شده است. او برای توجیه این امر دشواری شناور کردن قالب کاغذسازی به بزرگی برگ‌های عظیم این قرآن در خمیر کاغذ را مطرح کرده است. به گمان او برگ‌های این قرآن از طریق ریختن خمیر با استفاده از ظرف یا ملاقه درون قالب صورت گرفته و این امر موجب

انشقاق (۸۴)، فجر (۸۹)، شمس (۹۱) (بدون بسم‌الله)، لیل (۹۲)، ضحی (۹۳)، شرح (۹۴)، و تین (۹۵) به‌صورت کامل و از سوره‌های عبس (۸۰) و بلد (۹۰) فقط سرسوره‌هاشان به‌جا مانده است. در مجموع ۱۵ سرسوره در این برگ‌ها به‌جا مانده که برخی تذهیب شده و برخی بدون تذهیب است.

۲- خط

هر صفحه این قرآن هفت سطر دارد که با تعداد سطور نامه غیاث‌الدین برابر است. بر خلاف سنت رایج سده هشتم و نهم که قرآن‌های نفیس و بزرگ عمدتاً با دو قلم متفاوت مثل ثلث و ریحان یا محقق و نسخ کتابت می‌شد تمام صفحات این قرآن با یک قلم کتابت شده است. خط نسخه نمونه‌ای کامل از قلم محقق سده نهم هجری است. در محقق این عصر استفاده از حروف ثلث مثل «ه» اذنی در وسط کلمه، «ک» مسطح، «لا» مقطوع، و «ن» مرسل رایج بود. حرکات با قلم کوچک‌تر به رنگ سیاه و علائم وقف به رنگ قرمز و سرسوره‌ها به قلم ثلث زرین محتر کتابت شده است. ارتفاع متوسط «الف»ها ۱۲/۵ سانتی‌متر، فاصله کرسی‌ها ۲۲ سانتی‌متر، و عرض هر سطر از کرسی صدر تا ذیل شانزده سانتی‌متر است. این اندازه‌ها در همه صفحات با اندکی اختلاف برقرار است. ضخامت حروف یا عرض قلم بین هشت تا نه‌ونیم میلی‌متر است. دست‌کم دست‌خط سه خوشنویس در این اثر دیده می‌شود که نشان می‌دهد کتابت آن برخلاف تصور مورخان پیشین صرفاً بر عهده یک نفر نبوده است. باین‌حال نزدیکی سبک کتابت این خوشنویسان حاکی از آموزش آنان نزد یک استاد است. این امر می‌تواند گواهی بر ارتباط نامه غیاث‌الدین با این قرآن باشد زیرا او در این نامه فعل جمع «می‌نویسند» را به کار برده که نشان می‌دهد قرآنی را که او ناظر تهیه‌اش بوده نه یک نفر بلکه چند خطاط کتابت کرده‌اند. در جدول (۱) برگ‌های متعلق به هر خطاط مشخص شده است. به علت در دست نبودن تمام برگ‌های قرآن امکان تعیین دقیق شمار

که بخشی از حاشیه بزرگش تقریباً سالم است، با افزودن اندازه بخش ناقص نشان عشر و حاشیه احتمالی حدود سی‌وپنج سانتی‌متر و فاصله لبه حاشیه کوچک (طرف عطف) حدود ۲۱ سانتی‌متر است (تصویر ۱). بنابراین عرض تقریبی این مصحف ۱۵۱ سانتی‌متر بوده است. اگر فواصل لبه‌های بالا و پایین صفحات از جدول را متناسب با این اندازه‌ها به طور متوسط ۲۵ سانتی‌متر در نظر بگیریم، آن‌گاه طول هر صفحه حدود ۲۰۷ س. م خواهد بود. بدین ترتیب برای تهیه این نسخه حدود ۲۵۷۲ تا ۲۶۷۵ مترمربع کاغذ به کار رفته است.

برگ‌های کتابخانه و موزه قرآن آستان قدس عبارت است از، ۳۹ برگ دوروی کامل، یک برگ یک‌رو، هشت برگ دو رو با حدود ۵۰ درصد آسیب‌دیدگی، یازده برگ دو رو با یک‌سوم (دو تا سه سطر) آسیب‌دیدگی، یک برگ با دوسوم آسیب‌دیدگی، چهار برگ سه قطعه‌ای، و یک برگ دو قطعه‌ای است. برگ‌های چند قطعه‌ای برگ‌هایی است که با کنار هم گذاشتن رقع‌های پراکنده از صفحات مختلف در یک ورق بزرگ هنگام مرمت ساخته شده است. متن صفحات به‌جامانده حاوی آیات و گاه تنها کلماتی از ۵۳ سوره است که از آیه ۱ سوره رعد (۱۳) تا آیه ۹ سوره عادیات (۱۰۰) را در برمی‌گیرد. با احتساب شمار کلمات و سطور هر صفحه و در نظر گرفتن فضایی که سرسوره‌ها اشغال می‌کنند، و نیز صفحات تقدیم یا وقف‌نامه، افتتاح، و رقم کاتب می‌توان حدس زد این مصحف حدود ۸۳۹ تا ۸۵۶ برگ داشته^۲ و برگ‌های کنونی از محدوده برگ ۳۴۵ تا اواخر قرآن را در برمی‌گیرد. شمار برگ‌های پیشنهادی شیبلا بلر و دیوید جیمز تقریباً دو برابر این تعداد است زیرا آنان گمان برده‌اند متن بر یک‌روی برگ‌ها کتابت شده است (بلر، ۱۳۹۶، ۳۰۸؛ جیمز، ۱۳۸۱، ۲۳). از جدول چنین برمی‌آید که بیشترین اوراق مجموعه آستان قدس به سوره غافر (۴۰) در هشت برگ اختصاص دارد. همچنین متن سوره‌های مطفین (۸۳)،

جدول ۱- فهرست سوره‌ها و آیات و برگ‌های قرآن بایسنغری در آستان قدس رضوی و موزه ملک.

نام سوره	آیه	جزء	شماره برگ + پشت (پ) و روی (ر) برگ	دست خط
رعد (۱۲)	۴-۱	۱۲	۱پ-۱ر	الف
اسرا (۱۷)	۲۲-۲۵	۱۵	برگ ۲-ر پ (موزه ملک، ش ۰۰۰۰۱-۰۳-۱۳۹۳)	الف
حج (۲۲)	۱۴-۱۹؛ ۲۴-۲۹	۱۷	۲-ر پ ۳-ر پ بخشی از ۶۵ و ۶۶ دو قطعه (۶۵ ر)	ب ب ب
قصص (۲۸)	۸۸	۲۰	۶۵ (یک خط در یک قطعه)	ب
عنکبوت (۲۹)	۲۸-۳۱ (برگ یک‌رو) ۴۵-۵۱ ۶۰-۶۷	۲۱	۵ (برگ یک‌رو) ۶-ر پ؛ ۷-ر پ ۶۵ (دو خط در یک قطعه)	ب ب ب
روم (۳۰)	۹-۱۶ ۴۵-۵۱	۲۱	۸-ر پ ۹-ر پ	ب ب
لقمان (۳۱)	۷-۱۴	۲۱	۱۰-ر پ	ب
سجده (۳۲)	۲۰-۲۷	۲۱	۱۱-ر پ	ب
احزاب (۳۳)	۱-۹ ۲۲-۲۳ ۵۶-۶۲	۲۱-۲۲	۱۲-ر پ (بخش بالا) ۱۳-ر پ ۱۴-ر پ؛ ۱۵-ر پ	ج ج ج
فاطر (۳۵)	۱-۷ ۱۸-۲۷ ۲۸-۳۴	۲۲	۱۶-ر پ ۱۷-ر پ ۱۸-ر پ	ج ج ج
زمر (۳۹)	۱۰-۱۸ ۴۴-۶۲ ۶۳-۷۱	۲۳	۱۹-ر پ ۲۰-ر پ ۲۱-ر پ	ج ج ج
غافر (۴۰)	۱-۷؛ ۸-۱۵؛ ۲۲-۲۸ ۳۵-۴۲؛ ۴۳-۵۰؛ ۵۹-۶۲ ۶۶-۷۴؛ ۸۲-۸۵	۲۴	۲۲-۲۹-ر پ	ج

ج	۳۰-رپ تا ۳۳ ر	۲۵	سرسوره و آیات ۱-۴: ۵-۱۱: ۱۲-۱۷: ۱۹-۲۵: ۵۴-۵۲	فصلت (۴۱)
ب	۲۳-رپ	۲۵	۶-۱	شوری (۴۲)
ب	۲۴-رپ	۲۵	۱۳-۷	جاشیه (۴۵)
ب	۳۵-رپ	۲۶	سرسوره و آیات ۱۷-۲۳	احقاف (۴۶)
ب	۱۲ ر (چهار سطر در یک قطعه)	۲۶	۶-۵	محمد (۴۷)
ب	۳۶-رپ	۲۶	۳۱-۲۴	فتح (۴۸)
ب	۳۷-رپ	۲۶	۱۲-۶	قاف (۵۰)
ب	۲۸-رپ	۲۶	۲۶-۱۵	رحمان (۵۵)
ب	موزه ملک (ش ۴-۲۰۰۰-۰۳-۱۳۹۳)	۳۰	۷۸-۷۲	واقعه (۵۶)
ب	۳۹-رپ	۲۷	۳۸-۱۲	
ب	۴۰-رپ (بخش بالا)		۵۷-۴۳	
ب	۴۱-رپ		۸۰-۶۱	
ب	۴۲ ر		۹۶-۸۷	
ب	۴۲ پ	۲۷	۳-۱	حدید (۵۷)
ب	۴۳-رپ		۱۹-۱۴	
ب	۴۴-رپ	۲۸	۷-۳	مجادله (۵۸)
ب	۴۵-رپ	۲۸	۹-۵	حشر (۵۹)
ب	۴۶-رپ	۲۸	۸-۱	صاد (۶۱)
ب	۴۰-رپ (رقعه پایین)		۱۴-۱۰	
ب	۶۴-رپ (یک قطعه)	۲۸	۱۸، ۹، ۶، ۵	تغابن (۶۴)
ب	۶۴ (یک قطعه)	۲۸	سرسوره و آیه ۱-۲	طلاق (۶۵)
ب	۴۷ ر (۲ سطر)	۲۹	۵۲-۵۱	قلم (۶۸)
ب	۴۷-رپ	۲۹	سرسوره و آیه ۱-۱۱	حاقه (۶۹)
ب	سرسوره	۲۹	۶۴ر	نوح (۷۱)
ب	آیه ۷		۶۴پ	
الف	۲۳-۹		۴۸-رپ	
الف	۴۹-رپ	۲۹	۱۵-۵	جن (۷۹)
الف	۵۰-رپ		۲۶-۱۶	
الف	۶۲ (سه قطعه)	۲۹	۱۶-۱۵	مزمّل (۷۲)
الف	۶۲ (یک قطعه)		۲۰	
الف	۶۲ (یک قطعه)	۳۰	۱۰-۸	نبأ (۷۸)
الف	۶۲ (یک قطعه)		۲۱-۱۹	
الف	۵۱-رپ	۳۰	۲۶-۲۵	نازعات (۷۹)
الف	سرسوره	۳۰		عبس (۸۰)
الف	۵۲-رپ	۳۰	۱۹-۶	انفطار (۸۲)
الف	۵۲پ	۳۰	سرسوره و آیات ۱-۶:	مطففین (۸۳)
الف	۵۳-رپ		۲۸-۷	
الف	۵۴ر		۲۹-۳۶ (سوره کامل)	انشقاق (۸۴)
الف	۵۴پ (سرسوره):	۳۰	سرسوره	
الف	۵۴ر		آیات ۱-۱۰	
الف	۵۵-رپ	۳۰	آیات ۱۱-۲۵ (سوره کامل)	بروج (۸۵)
الف	۵۵-رپ	۳۰	سرسوره و آیات ۱-۸	طارق (۸۶)
الف	۵۶ر	۳۰	۱۷-۳	
الف	۵۶پ	۳۰	سرسوره و آیات ۱-۹	علق (۸۷)
الف	۵۷ر	۳۰	۲۶-۱۷	غاشیه (۸۸)
الف	۵۷پ	۳۰	سرسوره و تمام سوره (۱-۳۰)	فجر (۸۹)
الف	۵۸-رپ			بلد (۹۰)
الف	۵۸پ	۳۰	سرسوره	
الف	۵۹-رپ	۳۰	تمام سوره (آیه ۱-۱۵)	شمس (۹۱)
الف	۵۹پ-۶۰ر	۳۰	سرسوره و تمام سوره (آیه ۱-۲۱)	لیل (۹۲)
الف	۶۰پ	۳۰	تمام سوره (آیه ۱-۱۱)	ضحی (۹۳)
الف	۶۱ر	۳۰	سرسوره و تمام سوره (آیه ۱-۸)	شرح (۹۴)
الف	۶۱پ	۳۰	سرسوره و تمام سوره (آیه ۱-۸)	تین (۹۵)
الف	۶۱پ	۳۰	سرسوره	علق (۹۶)
الف	۶۲ ر (دو سطر در یک قطعه)		بسم الله ۱۲-۱۵	
الف	۶۲ (دو سطر در یک قطعه)	۳۰	۵-۳	قدر (۹۷)
الف	۶۳ر	۳۰	۶-۱	زلزال (۹۹)
الف	۶۳پ	۳۰	۹-۱	عادیات (۱۰۰)

از جزو ۲۱ تا بخشی از جزو ۲۵)، کاتب «ب» (بخشی از ۲۵ تا بخشی از ۲۹) و کاتب «الف» (بخشی از ۲۹ تا پایان قرآن).^۲ این تقسیمات حدوداً برابر با چهار جزو متوالی است که رسم تقسیمات سبعی (هفت‌گانه) قرآن را به یاد می‌آورد. این روش مبنای تقسیم قرآن‌های چندپاره ایرانی در سده‌های

برگ‌هایی که هر خطاط وظیفه کتابت‌ش را بر عهده داشته ممکن نیست اما دست کم می‌توان فهمید که اولاً خطاطان متنابو، اما غیرمنظم، مسئولیت کتابت بخش‌هایی را به این ترتیب بر عهده داشته‌اند: کاتب «الف» (پیش از جزو ۱۳ تا ۱۵)، کاتب «ب» (بخشی از جزو ۱۷ تا ۲۱)، کاتب «ج» (بخشی از

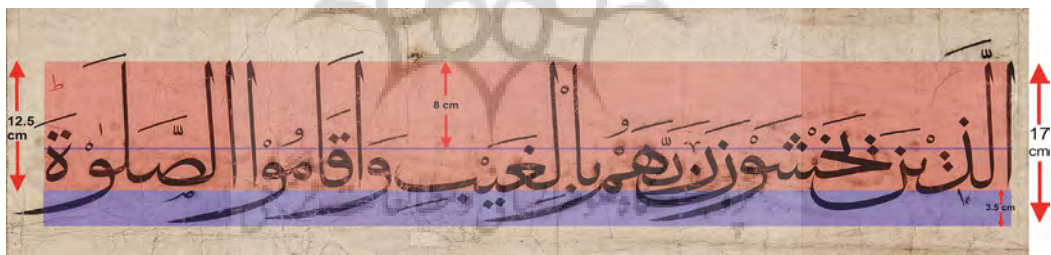
حرکت اول «ک» در کاف نفیری خوابیده‌تر و مستقیم‌تر کتابت شده است. حرکت اول «ب»، «ی»، و «ت» در اول کلمه با زاویه زیادی، در حدود ۳۰ درجه، همراه است. ضخامت قلم در بیشتر صفحات این دست‌خط کمتر از دو فقره دیگر و حدود هشت میلی‌متر است (تصویر ۵).

کاتب «ح» خصوصیتی مشترک با دو کاتب قبلی دارد. الف و لام‌هایش مشابه کاتب «الف» مورب است اما دنباله «ر»، «و»، و «م» را با زاویه‌ای مشابه کاتب «ب» نوشته است. ویژگی بارز و متفاوت این خطاط رعایت نکردن تناسب سطور است؛ برخی سطور بسیار فشرده و برخی خلوت کتابت شده است. در انتهای سطور خلوت کاسه دوایر «ن»، «ی»، و «ا» با ارسال و انحنایی معکوس همراه است. همچنین زاویه حرکت اول «ک» در کاف نفیری گاه بسته است و کمی تخت به نظر می‌رسد و گاه با دهانه‌ای باز و فواصل گشوده‌تر کتابت شده است. همچنین زاویه «ب»، «ی»، و «ت» در اول کلمه عمودتر از کاتب ب، در حدود ۲۰ درجه، است. ضخامت قلم او مانند کاتب «الف» حدود ۸ تا ۹ میلی‌متر است (تصویر ۴). گفتنی است در خط هر سه کاتب زاویه اعراب حدود ۲۰ درجه است. بدین ترتیب در برگ‌های به‌جا مانده از این نسخه دست‌کم سه دست خط شناسایی می‌شود که بسیار به هم نزدیک‌اند و این امر با سخن قاضی احمد قمی، که کتابت و تهیه قرآنی با این ویژگی‌ها را از عمر اقطع دانسته بود مطابق نیست. اگر همچنان معتقد باشیم سخن قاضی احمد مرتبط با این مصحف است، تنها احتمال ممکن آن است که یکی از این سه کاتب عمر اقطع بوده باشد، اما کدام‌یک؟

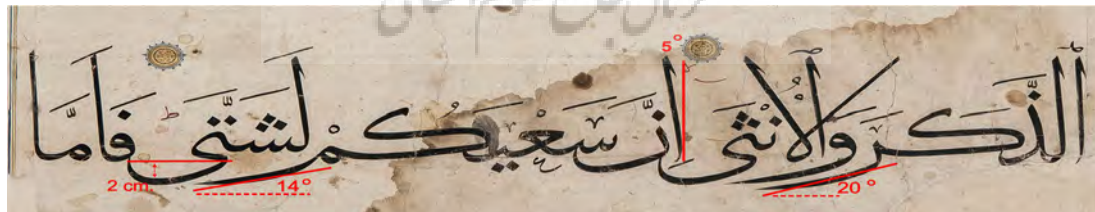
از عمر اقطع در تذکره‌های خطاطی، به‌جز گفته قاضی احمد در گلستان هنر، سخنی نرفته است. «اقطع» به معنی دست‌بریده است و

چهارم و پنجم نیز بوده است.^۸ اصول بنیادین و سبک کلی خط هر سه کاتب یکسان است. به‌ویژه تناسب خط اعم از ارتفاع سطر (فاصله کرسی‌بالا از کرسی اصلی)، هندسه غالب خط و ویژگی‌هایی چون صعود و نزول. همچنین هر سه کاتب از اصول ثلث نیز در کتابت برخی حروف اعم از «ه» (اُدنی)، و «ر»، مقعر، و «ع» فم‌الاسدی استفاده کرده‌اند. اما شیوه شخصی آنان در جزئیات تفاوت‌هایی دارد. کاتب «الف» دست‌خطی جسورانه دارد. او گردن «و»، «ر» را با کشیدگی بیشتری کتابت کرده و سر «الف»‌ها و لام‌هایش اندکی به سمت چپ گرایش دارد به‌طوری‌که زاویه «الف» نسبت به خط عمود حدود ۵ درجه است. همچنین دنباله مرسل «ر» و «و» و «م» را با زاویه حدود ۱۴ تا ۲۰ درجه کتابت کرده که کمی مورب‌تر از دست‌خط کاتب «ب» و کمی افقی‌تر از کاتب «ح» است. به‌طور کلی ارسال انتهای حروف در این دست‌خط بیشتر است که بر سریع‌نویسی کاتب صحنه می‌گذارد. عمق کاسه دوایر «ن»، «ی» و «س» نیز با حدود ۲ سانتی‌متر، کمی گودتر از کاتب «ب» و «ح» است. ضمناً ضخامت قلم در مقایسه با دست‌خط «ب» بیشتر و حدود ۹ و نیم میلی‌متر است. گفتنی است سر «کاف» نفیری در شیوه این خطاط کمی انحناء دارد و از حرکت دوم این حرف که به‌موازات خط کرسی کتابت شده فاصله‌اش بیشتر است (تصویر ۲).

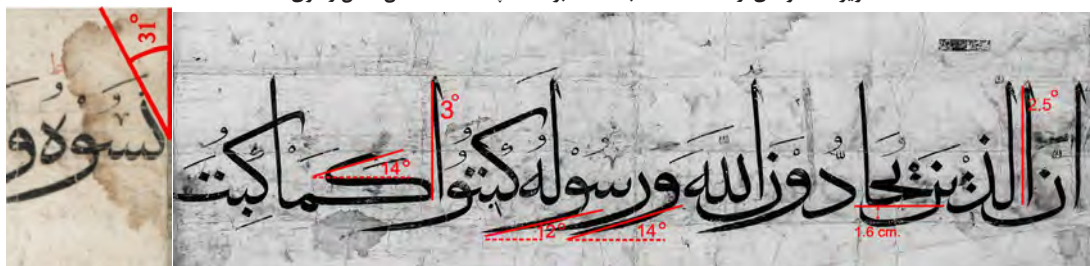
کاتب «ب» دست‌خطی منضبط، ظریف، و دقیق دارد. او گردن «و» و «ر» کوتاه‌تر و «الف»‌ها و لام‌ها را کاملاً عمود کتابت کرده است. زاویه «الف»‌های او بین صفر تا ۲/۵ درجه است. دنباله حروف «و»، «ر» و «م» نیز به خط افقی نزدیک است و زاویه‌ای در حدود ۱۲-۱۴ درجه دارد. همچنین کاسه «ن»، «س»، «ی» تخت است و قوسی نرم دارد و نیز زاویه



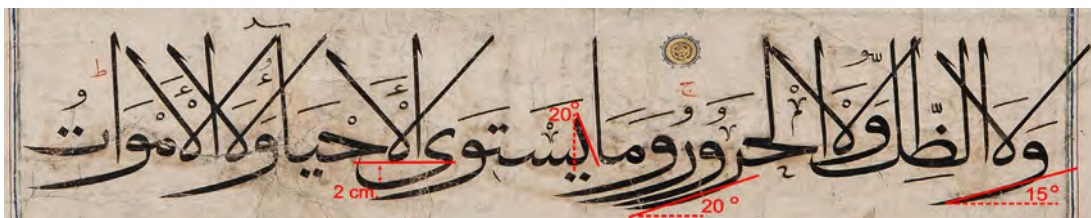
تصویر ۱- اندازه اجزای حروف در یکی از سطور قرآن، سطری از برگ ۱۷، مأخذ: (آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴). اندازه‌گیری و مشخصات خط از نگارنده



تصویر ۲- نمونه‌ای از دست‌خط کاتب «الف»، برگ ۵۹، مأخذ: (آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴)



تصویر ۳- نمونه‌ای از دست‌خط کاتب «ب»، سطر ششم از برگ ۴۴، مأخذ: (آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴)



تصویر ۴- نمونه‌ای از دست خط کاتب «ج»، برگ ۱۷ ر.

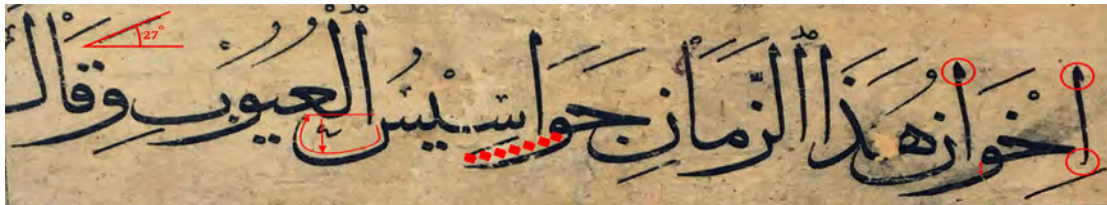


تصویر ۵. قطعه‌ای از عمراقطع به اقام محقق، نسخ و نستعلیق، ۷۹۷ق، قزوین. مأخذ: (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: تصویر ۶۰).

مسأله رحل

هم‌اکنون رحلی سنگی به ابعاد ۲۰۰×۲۳۰ سانتی‌متر در صحن مسجد بی‌بی‌خانم سمرقند نگهداری می‌شود که در تحقیقات اخیر آن مربوط به این قرآن دانسته یا درباره احتمال این انتساب بحث کرده‌اند (جیمز، ۱۳۸۱، ۱۲). گرداگرد این رحل کتیبه‌ای عربی به قلم ثلث کتابت شده که حاوی عباراتی در وصف رحل و قرآن است (تصویر ۷). در بخشی از کتیبه بر مقطع عرضی رحل نام الغیبگ ذکر شده است. شاید به همین سبب است که لنتز و لوری معتقدند این رحل را الغیبگ برای نگهداری مصحف اهدایی عمراقطع به جدش، تیمور، ساخت (Lentz and Lowry, 1989, 36). درحالی‌که بعید می‌نماید تیمور برای ساخت رحل قرآنی چنین عظیم تمهیدی نیاندیشیده باشد. به‌علاوه اگر این رحل به‌منظور یادبود تیمور ساخته شده بود، بی‌شک نام او در جایی از کتیبه ذکر می‌شد. البته بخشی از کتیبه آسیب‌دیده و ممکن است چنین بنماید که نام تیمور در بخش‌های آسیب‌دیده بوده، اما در عکس‌های قدیم رحل که تقریباً تمام کتیبه در آن‌ها خواناست نام تیمور نیامده است. به‌علاوه این عکس‌ها که به سال ۱۸۷۱-۱۸۷۲ م. / ۱۲۸۸-۱۲۸۹ ه.ق تحت حمایت کنستانتین پ. فون کافمن^۹ تهیه شد،^{۱۰} رحل را در فضایی محصور نشان می‌دهند که بدین معناست این رحل قبلاً در جایی چون شبستان مسجد بوده و به استناد یادداشتی بر پشت همان عکس‌ها اندکی بعد در سال ۱۸۷۵ م. / ۱۲۹۲ ه.ق از آنجا به صحن مسجد بی‌بی‌خانم منتقل شده است. (تصویر ۸). اینکه اعتمادالسلطنه نوشته این قرآن و رحل بر سرمار تیمور بوده (۱۳۶۲، ج. ۱، ۱۵۶) از آن‌رو بعید می‌نماید که در حال حاضر رحل

قاضی احمد نیز از اینکه او با دست چپ نسخه را نوشت سخن رانده است. در مرقع یعقوب‌بیک (استانبول، موزه کاخ توپقاپی، ش ۲۱۶۰)، دو قطعه به رقم عمراقطع یکی به قلم نستعلیق و ثلث و رفاع، و دیگری به قلم محقق و نسخ به تاریخ ۷۹۷ ه.ق کتابت‌شده در قزوین، به‌جا مانده است (تصویر ۵). از تاریخ این قطعات درمی‌یابیم او علاوه بر مهارت در قلم‌های شش‌گانه یکی از نخستین کاتبان قلم نستعلیق نیز بوده است (سه‌کی، ۱۳۸۴، ۷۸). اگرچه بیشتر محققان بر درستی حکایت عمراقطع و رابطه آن با مصحف مورد بحث متفق‌اند خصوصیات شیوه کتابت محقق عمراقطع در قطعه یادشده خام‌تر است و به‌رغم شباهت هندسه، جزئیات خطش با هیچ‌یک از کاتبان قرآن مطابق نیست. همان‌طور که در تصویر (۶) می‌بینیم «و» در خط عمراقطع متفاوت از سه سبک یادشده با گردنی کوتاه، چشمه کوچک و زاویه‌ای مورب همراه است. همچنین شماره (ترویس) الف و لام در خط عمراقطع بسیار کوچک و گوش‌تالود است درحالی‌که در خط هر سه کاتب یادشده نوکی تیز و بلند دارد. اعراب خط عمراقطع زاویه‌ای تند در حدود ۳۰ درجه دارد درحالی‌که اعراب هر سه کاتب حداکثر ۲۰ درجه با خط افق زاویه دارد. و آخر اینکه کاسه «ن»، «ی» در خط عمراقطع کاملاً گرد، مشابه ثلث، کتابت شده درحالی‌که در خط کاتبان این قرآن تخت‌تر است. در نتیجه هیچ‌یک از این سه کاتب عمراقطع نبوده‌اند. بنابراین ممکن است روایت قاضی احمد اساساً مربوط به قرآنی دیگر باشد که اکنون از میان رفته است. احتمال دیگر آنکه عمراقطع کاتب بخش‌های مفقوده این قرآن بوده و عملاً این نسخه را دست‌کم چهار نفر کتابت کرده باشند. با پذیرش این فرض مشخص نیست که به چه علت به‌رغم همکاری دست‌کم چهار خطاط در مراتبی یکسان کتابت این نسخه تماماً به عمراقطع منسوب شده است. افزون بر این اشکالی دیگر نیز در حکایت قاضی احمد هست: گفتیم در تهیه این مصحف بیش از ۲۵۰۰ مترمربع کاغذ به‌کار رفته است. تهیه این مقدار کاغذ و صحافی و تجلیدش مستلزم صرف مخارجی هنگفت است که یک خوشنویس از عهده‌اش بر نمی‌آید. از این رو بعید است خوشنویسی همچون عمراقطع توانسته باشد چنین اثر پرهزینه‌ای را بدون حمایت درباری تهیه کند. بدین ترتیب شواهد موجود برای درست انگاشتن حکایت قاضی احمد و در نتیجه ارتباط عمراقطع با این مصحف بسیار ضعیف است. به نظر می‌رسد از آنجاکه کهن‌ترین گزارش درباره چنین قرآن عظیمی را قاضی احمد دست‌کم دو‌یست سال بعد از زمان کتابتش روایت کرده، ممکن است درباره آن افسانه‌پردازی شده باشد. بدین معنی که عظمت این مصحف که با خلق و خوی بلند پرواز و شهرت تیمور هماهنگ است به همراه نقص جسمی عمراقطع (به سبب نداشتن یک دست)، زمینه را برای ساخت روایتی جذاب از این رویداد مهیا کرده باشد. در نتیجه نمی‌توان روایت قاضی احمد را ملاکی معتبر برای چنین واقعه‌ای به شمار آورد.



تصویر ۶- جزئیاتی از تصویر ۵، تروییس گرد «الف»، طول کوتاه و چشمه کوچک «و» و گودی و دور زیاد کاسه دوایر به همراه زوایه مغرط اعراب از ویژگی‌های متمایز خط عمراقطع از کاتبان قرآن بایسنغری است.



تصویر ۸- عکسی از آل‌بوم ترکستان که رحل مسجد بی‌بی خانم را در فضایی متفاوت و به‌ظاهر مسقف نشان می‌دهد، ۲-۱۸۷۱ م. مأخذ: (URL)



تصویر ۷- رحل سنگی مسجد بی‌بی خانم سمرقند. گرداگرد دو سنگ مورب این رحل کتیبه‌ای عربی به قلم ثلث کتاتب کرده‌اند، مأخذ: (مهدی مکی‌نژاد، ۱۳۸۵)

این قرآن بعید است به‌منظور بزرگداشت مقام تیمور تهیه شده باشد زیرا هیچ نامی از او در کتیبه‌های رحل و نیز نامه غیاث‌الدین نیست. از سوی دیگر با توجه به اینکه غیاث‌الدین در حدود سال ۸۲۳ ه.ق به سمرقند دعوت شد و تا ۸۳۲ ه.ق، زمان کشته‌شدنش، در این شهر بود (گیاهی یزدی و رضوانی، ۱۳۹۴، ۴۸) پس در صورت پذیرش فرضیه یکی‌بودن قرآن وصفی غیاث‌الدین و مصحف بایسنغری، زمان دقیق‌تر کتابت این نسخه بین ۸۲۳-۸۳۲ ه.ق تعیین می‌شود. سفارش چنین اثر سترگی به گمان فراوان به مناسبت پی‌افکنندن یا افتتاح یک طرح عظیم معماری باید باشد. می‌دانیم در همان زمان غیاث‌الدین به‌منظور ساخت رصدخانه مشهور الغیبگ به سمرقند دعوت شده بود و چه‌بسا این مصحف به مناسبت اتمام این بنای مهم کتابت شده باشد. تعجیل در اتمام نسخه که تذهیب ناتمامش گواه آن است (صحراگرد، ۱۳۹۴، ۳۶)، می‌تواند بر ارتباط این قرآن با برگزاری مراسمی مهم، مثل افتتاح رصدخانه به سال ۸۳۰ ه.ق، صحه بگذارد. گویا متعصبان رصدخانه را مدتی پس از وفات الغیبگ ویران کردند (گیاهی یزدی و رضوانی، ۱۳۹۴، ۴۸) و شاید در همین زمان مصحف و رحلش را از رصدخانه به مسجد بی‌بی خانم منتقل کرده باشند و چندبرگی از آن در همان زمان متفرق شده باشد.

در مسجد بی‌بی خانم است نه در گور امیر و به سبب فاصله زیاد گور امیر تا مسجد بی‌بی خانم بعید است در سال ۱۸۷۵ ه.ق رحل را از گور امیر به مسجد منتقل کرده باشند؛ آن‌هم رحلی بدون قرآن را. با اینکه دیوید جیمز یکسان نبودن اندازه مصحف و ابعاد رحل را غیرمنطقی می‌داند، باید دانست بخش ۷ شکل رحل که قرآن بر آن قرار می‌گیرد همیشه کوچک‌تر از ابعاد قرآن است. این قاعده حتی در رحل‌های کوچک چوبی، که مشکل تهیه مواد اولیه برای ساختشان وجود ندارد، نیز برقرار است.^{۱۱} بنابراین به سبب یکی‌نبودن اندازه رحل و قرآن نمی‌توان ارتباط این دو اثر را نفی کرد.

در صورت پذیرش فرض ارتباط رحل با قرآن بایسنغری باید اعتراف کرد که این قرآن در دوره حکومت الغیبگ تولید شده و ارتباطی با تیمور ندارد. این فرض پذیرفتنی‌تر است زیرا اولاً کتابت قرآنی با این اندازه امری متعارف نبوده و بعید است دو یا چند قرآن هم‌زمان در عصر تیموریان در قطعی چنین عظیم تولید شده باشد که یکی قرآن مورد بحث و دیگری قرآن مربوط به رحل سمرقند باشد. ثانیاً شواهدی ملموس و در دسترس چون کتیبه رحل حاوی نام الغیبگ و یکسان‌بودن مشخصات قرآن بایسنغری با جزئیات نامه غیاث‌الدین، ریاضی‌دان هم‌عصر الغیبگ و شاهد تهیه مصحفی با این مشخصات، این فرض را به یقین نزدیک می‌کند که قرآن بایسنغری همان قرآنی است که غیاث‌الدین توصیف کرده است. در نتیجه باید گفت

نتیجه

دیگر و به دست خوشنویسانی دیگر کتابت شده است. تفاوت شیوه کتابت برگ‌های به‌جامانده نشان می‌دهد کاتب این اثر دست‌کم سه خوشنویس

از آنچه گفتیم برمی‌آید قرآن بایسنغری به‌رغم شهرت انتسابش به بایسنغر هیچ ارتباطی با این شاهزاده تیموری ندارد و احتمالاً در کارگاهی

در مقام کلاتر کارگاه هنری الغیبیگ در سمرقند کار می کرده است. شاهد این ادعا آنکه قاضی احمد از «کتابت» و «تذهیب» و «تجلید» این نسخه به دست عمراقطع سخن رانده و چنین می نماید عمراقطع مسئول تهیه این نسخه و نه صرفاً کاتب آن بوده است. شاهد دیگری که این فرضیه را تقویت می کند اینکه قطعات به جامانده از عمراقطع گواهی می دهد او نیز همچون جعفر بایسنغری به سبب مهارت تام در نستعلیق و اقلام شش گانه خطاط هفت قلمی به شمار می رفته و این یکی از ویژگی های کلاتران کارگاه های عصر تیموری است.

به هر روی هنوز مسائل زیادی درباره این نسخه مطرح است که می تواند در تحقیقات دیگر دنبال شود از جمله:

- مقایسه برگ های محفوظ در مجموعه آستان قدس با برگ های محفوظ در موزه های دیگر چه سرنخ های دیگری در باب تولید این قرآن روشن می کند؟ آیا ممکن است دست خط خوشنویسی دیگر یا شاید دست خط عمراقطع در آن برگ ها یافت شود؟

- چه فرضیات دیگری می توان برای رفع تناقض اطلاعات منابع درجه اول با مشخصات کنونی نسخه عرضه کرد؟

بودند که در یک مکتب آموزش دیده اند. گواهی مورخانی که این نسخه را به تیمور مربوط می کنند نیز متناقض است؛ شاید بدان سبب که دست کم دو قرن پس از وفات او نوشته شده اند. اما شواهدی که بتوان بر مبنای آن ها تولید نسخه را در سمرقند و تحت حمایت الغیبیگ دانست بیشتر است. وقتی مطابقت بخشی از اطلاعات نامه غیاث الدین با قرآن مورد نظر در کنار متن کتیبه رحل سنگی سمرقند قرار گیرد درستی این فرض را که الغیبیگ حامی تولید این نسخه عظیم بوده تقویت می کند. گواهی قاضی احمد قمی را تنها در دو صورت می توان پذیرفت: نخست آنکه بگوییم در عصر تیموریان دو قرآن با این اندازه تهیه شده است و از آن مصحفی که قاضی احمد روایت کرده هیچ اثری بر جا نمانده است. شاهدش آنکه قاضی احمد از یک برگ این مصحف در نزد مالک دیلمی (خوشنویس سده دهم هجری) سخن رانده و این بدان معنی است این مصحف تا سده دهم هجری چندپاره شده بود. در حالی که برگ های مصحف بایسنغری را حدود دویست سال بعد سربازان نادر در فتح سمرقند به یغما بردند. فرض دیگر اینکه تهیه این مصحف به دست تعدادی خوشنویس زیر نظر عمراقطع صورت گرفته باشد. در این صورت احتمال تهیه آن در کارگاهی درباری تقویت شده و حتی ما را به این فرض ثانویه رهنمون می کند که عمراقطع

پی نوشت ها

۱. فریزر می نویسد:

در برگشت از سواری برای دیدن امامزاده های رفته، تنها مکان قدیمی در قوچان است، اما در حقیقت هیچ ویژگی قابل توجهی ندارد مگر به یک علت؛ در این جا بعضی از برگ های متعلق به یک قرآن بسیار عظیم وجود دارد که به رغم شیوه نگهداری بی ملاحظه اش، شاید در دنیا بی نظیر باشد. این قرآن را بایسنقر میرزا پسر شاهرخ و نوه تیمور بزرگ کتابت کرده است و از طرف او بر قبر فاتح بزرگ در سمرقند گذاشته شده است. اما سربازان محمدخان، جد ایلخانی حاضر، که به همراه نادرشاه در تعرض به ترکستان همراهش بود، به آن بی حرمتی کرده، آن را تکه تکه کرده و هر یک سهمی از آن را انتخاب کردند تا حمل آن آسان باشد و به منزله نشانه پیروزی به شهرستان بردند. میرگناه خان، پسرش، تقریباً ۶۰ برگ از این اوراق را گرفته و در آن امامزاده حفظ کرد. آنها را در قفس های گذاشته بودند که کاملاً فراموش شد و زیر گرد و خاک رفت. این اوراق را به کمک کاغذ سیم خار ضخیم دسته بندی کرده بودند. بدیهی است که برای منظور خاصی این کار انجام شده بود و وقتی آنها را باز کردند ۱۰ تا ۱۲ فوت طول و ۷ الی ۸ فوت عرض داشت. حروف این قرآن بسیار زیبا و با یک حرکت قلمی درشت نوشته شده است. نقاط یا اعرابش مانند تزیینات حواشی به رنگ لاجوردی و طلا است، اما چند برگ از آنها سالم است و بقیه به خاطر تزییناتش ناقص شده یا حاشیه سفید بزرگشان بریده شده است. (Fraser, 1825: 574)

۲. برای آگاهی از برخی حکایات و افسانه های مشهور در میان مردم خراسان درباره گوهرشاد و خانواده اش نک: سیدی، ۱۳۸۶.

۳. ناخواناست

۴. به معنای ضخامت

۵. کاغذ مطبق کاغذی است که از طریق چسباندن لایه های متعدد کاغذ در حین ساخت کاغذ به دست آید. در مجمع الصنایع ابن فنا «سطبر کردن» به منظور «بغدادی کردن» کاغذ نیز خوانده اند. این بدان معناست برای ساخت کاغذ های بزرگ اندازه لازم بوده از قطعات کاغذ های کوچکتر بر روی هم وصله

کرده و قطعات بزرگ بسازند. به نقل از افشار، ۱۳۹۰، ۱۷۳.

۶. علت اینکه نمی توان شمار صفحات را دقیق تر از این مشخص کرد این است که خط برخی صفحات فشرده و برخی گشاده و فاصله دار است.

۷. بی نظمی تناوب خطاطان می تواند به این علت باشد که شاید هر خطاطی که بخش محوله را به اتمام می رسانده مسئول بخش نانوخته می شده است

۸. مثلاً دوباره از قرآنی هفت پاره به قلم کوفی سبک غزنوی در مجموعه خلیلی (شماره 89A، Qur، و 81 Qur) نک: Deroche, 1992.

9. Konstantin P. von Kaufman

۱۰. این مجموعه آلبومی شش جلدی است مربوط به تحقیقی عکاسانه که تحت حمایت والی ترکستان در سال ۱۸۷۱-۲ تهیه شد. برای تماشای تصاویر بیشتر نک:

<http://www.wdl.org/en/item/3819/#page=12&contributors=Bo-gaevskii%2C+Nikolai+V.%2C+1843-1912>

۱۱. رحل چوبی مورخ ۷۶۱ هجری ساخته شده در آسیای مرکزی شاهد مناسبی برای تایید این گفته است (نک: Lents & Lowry, 1989, 47)

فهرست منابع

افشار، ایرج (۱۳۹۰)، کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی، تهران: میراث مکتوب. اوکتایی، عبدالعلی، قرآن بایسنغری (شرح برگ نخستین)، نامه آستان قدس رضوی، ش. ۱۸ (مرداد ۱۳۴۳)، ص ۱۰۷.

آستان قدس رضوی (۱۳۹۴)، قرآن بایسنغری: معرفی برگ های از قرآن کریم به خط بایسنقر میرزا موجود در گنجینه آستان قدس رضوی، مشهد: مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۶۲)، مطلع الشمس، تهران: پیشگام.

بلر، شیلا (۱۳۹۶)، خوشنویسی اسلامی، ترجمه ولی الله کاووسی، تهران: متن (مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری).

ثابت جازاری، علی اصغر، شاهزاده ثلث نویس: پژوهشی درباره قرآن بایسنغری شاهکار بی نظیر دوره تیموری، دانشورز: نشریه دیجیتال آستان قدس رضوی. جیمز، دیوید (۱۳۸۱)، پس از تیمور، ترجمه پیام بهتاش، تهران: کارنگ

بایسنغری در مجموعه‌های ایران و جهان، *آستان هنر*، ش. ۱۶ (بهار ۱۳۹۵)، صص ۲۶-۴۳.

میرخواند (۱۳۸۸)، *تاریخ روضه‌الصفاء*، ج. ۹، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

نخجوانی، حسین (۱۳۷۷)، تاریخ پیدایش قرآن بزرگ به خط زیبای بایسنغر، *چهل مقاله* (نشریه دانشکده ادبیات تبریز)، (۱۳۳۷)، صص ۳۲۹-۳۳۱.

Blair, Sheila S. (2005). *Islamic Calligraphy*, Edinburgh, Edinburgh University Press.

Fraser, James Billie. (1825). *Narrative of a journey into Khorasan*, London, Longman, Hurst, Rees, Orme, Brown, and Green, 1825.

James, David. (1988). *Qurans of the Mamluks*, London, Alexandria Press and Thames and Hudson.

James, David. (1992). *The Master Scribes: Qur'ans of the 10th to 14th Centuries AD*, London, Nour foundation.

James, David. (1992). *After Timur: Qur'ans of the 15th and 16th Centuries* (The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art, VOL III), London: Nour Foundation, 1992.

Lents, Thomas W. and Glenn D. Lowry. (1989). *Timur and the Princely Vision*, Washington, D.C., Smithsonian Institution Press.

Lings, Martin. *Splendours of Quran Calligraphy and Illumination*, London, Thames & Hudson, 2005.

Sahragard, Mahdi (forthcoming). "Scattered Leaves: Scattered Leaves; A survey on the Leaves of Baysunghuri Qur'an at the Museum and Library of Astan Quds Razawi", in: *Journal of Islamic Manuscripts*.

URL 1: <http://www.wdl.org/en/item/3819/#page=12&contributors=Bogaevskii%2C+Nikolai+V.%2C+1843-1912>

سه‌کی، یوشیفا (۱۳۸۴)، آثار خوشنویسی در دو مرقع سلطان یعقوب یادگار عصر قراقویونلوها و آق قویونلوها، *نامه بهارستان*، ۱۱-۱۲ (تابستان-زمستان ۱۳۸۴-۱۳۸۵)، صص ۷۵-۱۷۲.

سیبویه، نرگس (۱۳۹۵)، *اسناد مرتبط با قرآن بایسنغری در مرکز اسناد آستان قدس رضوی*، آستان هنر، ش. ۱۶ (بهار ۱۳۹۵)، صص ۴۴-۴۹.

سیدی، مهدی (۱۳۸۶)، *مسجد و موقوفات گوهرشاد*، تهران: اداره اوقاف. صحراگرد، مهدی (۱۳۹۴)، *سرگذشت مصحف بایسنغری*، قرآن بایسنغری: معرفی برگ‌هایی از قرآن کریم به خط بایسنغرمیرزا، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، صص ۳۲-۴۹.

عبادی، محسن (۱۳۹۴)، *تأملی بر ویژگی‌های هنری خط قرآن بایسنغری*، در: *قرآن بایسنغری: معرفی برگ‌هایی از قرآن کریم بخط بایسنغرمیرزا موجود در گنجینه آستان قدس رضوی*، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴، صص ۵۰-۷۰.

فداییان، مجید (۱۳۹۴)، *یادداشتی بر قرآن بایسنغری*، در: *قرآن بایسنغری: معرفی برگ‌هایی از قرآن کریم بخط بایسنغرمیرزا موجود در گنجینه آستان قدس رضوی*، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴، صص ۲۸-۳۱.

قاضی احمد منشی قمی (۱۳۸۳)، *گلستان هنر*، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری.

قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، *درآمدی بر خوشنویسی ایرانی*، تهران: فرهنگ معاصر.

گلچین معانی، احمد (۱۳۴۷)، *راهنمای گنجینه قرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.

گیاهی یزدی، حمیدرضا؛ رضوانی، پویان (۱۳۹۴)، *رصدخانه سمرقند، دانشنامه جهان اسلام*، ج. ۲۰ (۱۳۹۴)، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، صص ۴۶-۴۹. محمدتقی خان حکیم (۱۳۶۶)، *گنج دانش*، تهران: زرین.

محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۱۹)، *نوادیر سمرقند به قلم غیاث‌الدین کاشانی*، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، ش. ۴ (تیرماه ۱۳۱۹)، صص ۵۵-۶۰. معتقدی، کیانوش (۱۳۹۵)، *پژوهشی در شناسایی اوراق پراکنده قرآن*

The Grand Qur`an: New Hypothesis about the Scribe and the Time of Copying of Baysunghuri Qur`an*

Mahdi Sahragard**

¹Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Received: 12 Jul 2021, Accepted: 21 Nov 2021)

In some museums of the world, folios of a grand Qur'an are preserved, which is known as Baysanquarī Qur'an. The early scholars were supposed that the Qur'an was copied by Bāysunqur, the son of Gawharshad and Shahrokh (807-850 AH/ 1405- 1447 AD.). Their idea was shaped under influence of Jame Bailie Fraser (1783- 1856), the Scottish travel-writer who traveled to khurasan in 1237/1822. Some scholars have studied the components of this Qur'an and have tried to determine and analyze the date of production, scribe and features of the manuscript. Yet, due to scattering and lack of reliable documents, almost none of these scholars have reached a clear and convincing knowledge of the scribe, the time of production and the purpose for preparing this Qur'an. The last statement agreed upon by the scholars, based on a report by Qaḍī Ahmad Qumī, in Gulistān Hunar. He has mentioned a story about a calligrapher named 'umar 'aqta' who visited Timur and prepare a huge Quran for him as a gift. Scholars concluded that the time of copying of the Qur'an is the time of Amir Timur Gūrān (772- 807/1372-1405) and the script known as the 'umar 'aqta' handwriting. But, during the last century almost 65 folios of the Qur'an have been collected in the Astan Quds Razavi collections. The folios are the largest number of folios related to the Qur'an preserved in a collection. Therefore, research on them provides new insights into the script, Scribe, and the time of the production of the Qur'an. This article, after a brief review of the codicological and historical features of the foilios, has made a direct observation on the script. The study revealed that at least three different but very close handwritings are used in the copying of the Qur'an. comparison of the handwritings to a signed piece copied by 'umar 'aqta' is the second step of the study. The result shows that none of them is the hand of 'umar 'aqta'. Additionally, a letter from Ghiath al-Din Jamshid al-Kashani, the Persian mathematican and astronomer, describes a Qur'an with similar characteristics to the Baysanghari Qur'an. He used the plural verb for copying the Qur'an which shows that more than one Calligrapher copied the Qur'an. According

to the time of presence of ghiyath al-Din in Samarkand we can estimated the time of copying of the Qur'an between 823-832 /1420-1429. In addition to this, the huge Qur'an stand preserved in Bībī Khanum Mosque, Samarkand, can be related to the Qur'an. the thuluth inscription on the stand bears the name of Ulugh beyk. Therefore, we have two hypothesis about the role of 'umar 'aqta' in copying the manuscript: first, there were at least two grand Quran: one copied by 'umar 'aqta' which has not been survived any folios of it and another is that Qur'an known as Baysunquri. The second hypothesis states that the Qur'an produced under advisory of 'umar 'aqta' as the administrate of a scripturion of Ulugh Beyk in Samarkand during 823- 832 AH/ 1420- 1429 AD.

Keywords

Qur'an, Baysunghur, Ulugh Beyk, 'Umar 'Aqta', Astan Quds Razavi Library, Muhaghagh Script.

*This article is extracted from a research project, entitled: "A method for stylistics study of calligraphic works", supported by vice chancellor for Research and Technology of Islamic Azad University, Mashhad Branch (1397/2018).

** Tel: (+98-915) 5033090, Fax:(+98-51) 36641262, E-mail: m.sahragard@mshdiau.ac.ir